

## دست آورد ملاقات اوپاما و کرزی چه بود؟

بلی جالتماب حامد کرزی برای رسیدن هدف خود به آقای اوپاما اطمینان داد که مصونیت قضائی سربازان امریکائی را از به اصطلاح لویه جرگه حاصل و ملت را دستپاک خود و ذلیل میسازد و جالتماب بارک اوپاما با گذاشتن ارجح به ملت و عساکر خود اطمینان مصونیت قضائی را از آقای حامد کرزی حاصل کرد.

قبل از اینکه به اصل مطلب بپردازم با عرض احترام نکات مهم دو پرگراف از متن کامل کنفرانس مشترک مطبوعاتی مؤرخ ۱۳ جنوری ۲۰۱۳م رئیس جمهور حامد کرزی و رئیس جمهور باراک اوپاما را برجسته نموده به توجه شما میرسانم.



آقای اوپاما فرودند که:

اول- به باور من، نگرانی اساسی رئیس جمهور کرزی واضح است که شما این نگرانی را مسقیماً از زبان خود وی نیز خواهید شنید این است که مطمئن شویم که حاکمیت افغانستان مورد احترام قرار گیرد و اگر قرار باشد شماری از نیروهای ما پس از سال ۲۰۱۴م در افغانستان باقی بمانند، باید به دعوت حکومت افغانستان صورت گیرد و حکومت افغانستان باید با آن احساس راحتی و آرامش کند.

(تبصره نویسنده: فرمایش فوق الذکر آقای اوپاما خود اعتراف مبنی بر این است که از ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م الی حال دخول عساکر امریکا به دعوت افغانستان صورت نگرفته و افغانستان کمافی السابقی الی امروز در اشغال است و حاکمیت ملی ندارد لهذا ملاقات آقای اوپاما با رهبر غیر ملی بوده و معاهدات که در طول سیزده سال گذشته صورت گرفته مدار اعتبار نیست و نیز موافقتنامه امنیتی آینده در دوره آقای حامد کرزی مدار اعتبار نخواهد بود).

دوام صحبت آقای اوپاما: "من به رئیس جمهور کرزی میگویم و قبلاً نیز گفته ام که اینگونه تدابیر را در برخی از کشورها در سراسر جهان اتخاذ کرده ایم و در هیچ جای از جهان ما موافقتنامه امنیتی را بدون مصونیت قضایی برای سربازان خود عقد ننموده ایم. اینگونه من منحیت سرقوماندان اعلیٰ نیروهای مسلح میخوام مطمئن شوم که افراد ما در جهت اجرای ماموریت های دشوار محفوظ خواهند بود.

به باورم، رئیس جمهور کرزی این مسئله را درک میکند. نمیخواهم که قبل از انجام مذاکراتی که هنوز هم در رابطه به موافقتنامه امنیتی باقی است، پیش دستی کنم اما منصفانه است که بگویم که حد اقل از دیدگاه من، امکان نخواهد داشت که پس از سال ۲۰۱۴م سربازان امریکایی بدون اطمینان در افغانستان حضور داشته و به نوعی تابع قوانین کشور دیگری باشند."

(تبصره: واقعاً آقای اوپاما بحیث یک رهبر ملی موقف خود را بسیار واضح اعلان و حمایه قاطعانه خود را از نظامیان امریکائی ابراز داشت. سوال این است که:

آیا منصفانه و عادلانه است که مجرمین امریکائی که در جولای سال ۲۰۱۱م بالای اجساد طالبان مرده ادرار و ویدیویی شانرا ترتیب و نشانمیدانند در امریکا محاکمه و هیچکس از واقعیت تطبیق فیصله محاکمه اطلاع نداشته باشد و مجرم و یا مظنون افغان بدون محاکمه در زندان بگرام سالها را سپری نماید؟

آیا منصفانه و عادلانه است که آقای *Sergeant Robert Bales* با حمله وحشیانه خود در دل شب مارچ ۲۰۱۲م ۱۷ نفر مرد، زن و طفل را در یک قریه ولسوالی پنجوایی به شهادت برساند، و برای فریب ملت افغان در امریکا سرو صدای محاکمه اش بلند و از تطبیق و سرنوشت مجرم خبری مؤثق به گوش افغانان نرسد؟ و مجرم و یا مظنون افغان سالها را در زندان گوانتانامو سپری نماید؟

همچنان خانم *Nita Palmer* یکی از خبرنگاران کانادایی به اطلاع از منابع خبری افغانستان مینویسد که قوای امریکایی در دل شب در ولسوالی چهار بولک بلخ چندین زن را بسیار ظالمانه بی عفت نموده و مردم قریه تهدید شدند که نام قریه را افشاء نکنند. آیا منصفانه و عادلانه است که برای دوام اشغال خود ملت افغان حتی حق افشای چنین واقعه و یا وقایع را نداشته باشد؟

آقای کرزی با خوشخدمتی به امریکا به نفع امریکا پا را فراتر از آقای اوباما گذاشتند یعنی فرمودند که:

"موافقتنامه دوجانبه امنیتی بخاطر منافع هر دو کشور مدنظر گرفته میشود. ما درک میکنیم که مسئله مصونیت قضایی از اهمیت بسیار خاصی برای ایالات متحده امریکا برخوردار است، چنانچه مسئله حاکمیت ملی و انتقال توقیفگاه ها به حکومت افغانستان و حضور دوامدار نیروهای بین المللی در قریه های افغانستان و چگونگی پیشبرد جنگ علیه تروریسم برای ما حایز اهمیت است."

تبصره: اگر توجه به تذکرات فوق الذکر آقای کرزی که به نمایندگی از ملت افغان حرف میزد شود، دیده میشود که متأسفانه جناب شان بسیار ماهرانه با استفاده از کلمات و الفاظ فریبنده چون "حاکمیت ملی" و "جنگ علیه تروریسم" به آقای اوباما اطمینان داد که برای برآورده شدن آرزوی امریکا آنچه جلالتماب اوباما میفرماید با فریب و خدع در به اصطلاح لویه جرگه ساخته خودش که متشکل از عده ای از جهادیان جنایتکار خونخوار و وطنفروشان دهن پرآب زوردار و زردار خریده شده امریکا و بریتانیا خواهند بودند موضوع را حسب دلخواه امریکا و بریتانیا حل و ملت مظلوم و بی دفاع افغان را دستپاک دستان خود میسازد. آیا همین حاکمیت ملی و جنگ علیه تروریسم است که جلالتماب کرزی از آن یاد کردند و یا دوام نبود حاکمیت ملی افغانها و زمینه سازی برای جنگ طولانی در افغانستان و منطقه تحت نام پدیده سیاهی تروریسم خود ساخته امریکا و بریتانیا خواهد بود که بعد از شکست کمونیزم برای جهان کشایی شان ایجاد گردیده؟

وقتی حرف از جنگ علیه تروریسم و القاعده زده میشود به سوالی برمیخورم، یعنی این پدیدی سیاه تروریسم که با القاعده پیوند خورده و زاده امریکا و بریتانیا است آیا کوتاه مدت است و یا دراز مدت؟ برای هدف مشخصی در یک مقطع زمانی خاص بوده و یا هدف از توسعه طلبی دوامدار غرب خاصاً امریکا و بریتانیا در منطقه و جهان میباشد؟ برای اینکه موضوع روشنتر گردد میخواهم بیانات دو شخصیت برجسته امریکائی را به توجه خوانندگان گرانقدر برسانم و آن این است که:

جمیز بیکر *James Baker* وزیر خارجه وقت امریکا بتاريخ ۲۵ اکتوبر ۲۰۰۱م در چنل سی.ان.ان *CNN* اعتراف کرد که: "اوسامه بن لادن را آنها (امریکا) در افغانستان به مقابل روسها مؤظف نموده بودیم".

چند ماه قبل هیلاری کلینتن، وزیر امور خارجه امریکا نیز در یکی از جلسات کنگره به صراحت به نقش امریکا در ایجاد سازمان تروریستی القاعده اعتراف کرد، و گفت که: "ما گذشته مشترکی با سازمان القاعده داریم. کسانی را که امروز با آنها در افغانستان و پاکستان می جنگیم ۲۰ سال پیش خود ما به وجود آوردیم زیرا در جنگ علیه شوروی سابق از آنها استفاده می کردیم، وی افزود، ما القاعده را به وجود آوردیم زیرا نمی خواستیم شوروی سابق بر آسیای مرکزی چیره شود و ریگان رئیس جمهور وقت امریکا با مشارکت کنگره به زعامت دیموکراتها از طرح ایجاد القاعده جهت مقابله با اتحاد جماهیر شوروی استقبال کرد". (سایت وزین "دعوت"



تاریخ ۲۹ دسمبر ۲۰۱۱م.)

حال توجه فرماید که یک جنرال پاکستانی چه میفرماید:

جنرال اسلم بیگ رئیس سابق قوای نظامی پاکستان بعد از ترک طالبان پاکستانی بصوب افغانستان بتاريخ ۲۵ فبروری ۱۹۹۵م نیز قبل از اشغال کابل توسط طالبان گفت که:

"هدف طالبان حفظ منافع غرب در آسیای مرکزی است. طالبان از افغانهایی تشکیل شده اند که در جنگ افغانستان یتیم شده اند، با کمکهای مالی امریکا در مدارس و های تحصیل کرده اند." (افغانستان و ظهور طالبان، حسام الدین امامی).

حال سوالی وارد میشود که آیا با شکست اتحاد جماهیر شوروی وقت و اشغال ۱۳ سال اخیر افغانستان توسط امریکا و بریتانیا اهدافشان در افغانستان، منطقه و جهان برآورده شده که لزوم به اخراج کلی قوای اشغالگر در سال ۲۰۱۴م دیده شود و یاخیر؟ و آیا واقعاً هدف از اشغال افغانستان آزادی افغانستان و مبارزه علیه تروریسم و محوه القاعده بود یا چیزی دیگری؟

برای جواب سوالات فوق بیاید ببینیم که آقای اوباما رئیس جمهور آمریکا، آقای ولیم فاکس وزیر دفاع بریتانیا و آقای هوست که لر رئیس جمهور المان در ارتباط موجودیت عساکرشان در افغانستان چه نظری داشته اند سپس در روشنی آن قضاوت عادلانه خواهد بود.

آقای اوباما در سفرش به افغانستان در خطاب به سربازانش فرمودند، "اگر منافع آمریکا در افغانستان نباشد برای یکروز هم سربازان آمریکائی در افغانستان نخواهند ماند." (روزنامه ویسا ۱۷ جوزای ۱۳۸۹ یا ۷ جون ۲۰۱۰ م)

آقای ولیم فاکس وزیر دفاع بریتانیا قبل از سفرش به افغانستان بتاريخ ۲۲ می در مقاله تایمز نوشت که: "حضور نیروهای بریتانیا در افغانستان برای کمک به امنیت جهان و بریتانیا در آنجا است، آقای فاکس در این مقاله اش گفته بود که: "ما برای این در افغانستان نیستیم که به کشور شکست خورده قرن سیزدهم کمک کنیم بلکه بخاطر مردم بریتانیا و امنیت جهان در آنجا حضور داریم."

وزیر دفاع بریتانیا ولیم فاکس نیز فرمودند که: "ما در افغانستان به این خاطر حضور نداریم که جامعه قرون وسطایی را کمک نمایم و یا دختر افغان را به مکتب برسانیم، ما در اینجا بخاطر منافع خود آمده ایم."

همچنان آقای هوست که لر رئیس جمهور المان در حاشیه سفرش به افغانستان گفت که: "اگر لازم باشد المان به عنوان یک کشور صادراتی در جهان باشد باید از خشونت نظامی برای باز نگه داشتن راه های حیاتی تجارت استفاده کند" اظهارات وی باعث شد از ریاست جمهوری المان استعفی دهد. فرمایشات فوق الذکر سیاستمداران آمریکا، بریتانیا و المان چیزی نوی نیست اگر تاریخ ورق زده شود ملاحظ میشود که سیاستمداران قبلی بریتانیا نیز اهداف و نیات شوم خود را چنین اظهار داشته اند.

لارڈ لیٹن Lord Lyton در زمان امارت امیر شیر علیخان چنین گفت که: "رهبرانی چون خانان قلات و امیر کابل بیش از گدیها و مهره هایی نیستند، اگر ما مسابقه مهم امپراتوری بریتانیا را با روسها بازی نمیکردیم (The road to Kabul Brian Robson 1986).

(تیسره: بلی شکست روس است که آقای اوباما در ختم کانفرانس مطبوعاتی مؤرخ ۱۳ جنوری ۲۰۱۳ م با بی اعتنائی تام به حاکمیت ملی افغانستان معائیر پروتوکول قبل از امیر کابل سالون را ترک و امیر کابل آقای حامد کرزی چون گدیگک در عقب آقای اوباما میدوید.) با تذکرات مطالب فوق به نتیجه میرسم که:

امریکا و بریتانیا چنانکه خودشان میفرمایند هنوز به هدف نهایی خود نرسیده اند یعنی آغاز بازی بزرگ که خواب آنرا دو قرن قبل برای رسیدن منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی شان در افغانستان، منطقه و جهان میدیدند میباشد. خدا کند که من در اشتباه باشم باید عرض کرد که من از آغاز مسلح کردن تروریستان و گسیل نمودنشان به چینیا بر ضد اتحاد جماهیر شوروی وقت یعنی بین سنوات ۱۹۸۱ م الی ۲۰۰۳ م، ایجاد بیش از ۲۵۰۰۰ مدرسه برای تربیه جنگجویان و تروریستها در پاکستان، آوردن ده ها هزار عرب تحت رهبری اسامه بن لادن به پاکستان و افغانستان و بالاخره شکست اتحاد جماهیر شوروی به این باور بودم که با شکست کمونیزم پدیده سیاه تروریزم بین المللی و پیوند دادن آنرا با القاعده جاگزین مبارزه علیه کمونیزم که از اکتوبر ۱۹۱۷ م آغاز گردیده بود میسازند. به این معنی که در هر کشوری که منافع خود را ببینند در آنجا با استفاده از نام پدیده سیاه القاعده و تروریزم نظامها و رژیمها را سقوط داده برای رسیدن منافعشان دولتهای دست نشانده خود را نصب و بنام مبارزه علیه تروریزم و القاعده استمرار قدرت میکنند، روی همین عقیده من باور داشتم و دارم که با خروج قوای اشغالگر اتحاد جماهیر شوروی وقت از افغانستان دولتمردان آمریکا و بریتانیا با تبنای پاکستان، ایران، روسیه بعدی و نوکرانشان در مرحله اول توسط جنایتکارانی بنام رهبران جهادی و تنظیمی تمام قوایی نظامی افغانستان را که با پیشرفته ترین سلاح در منطقه مجهز بود تار و مار کرده و با وارد نمودن طالبان تربیه شده خودشان چنان شرایط زشت و خشن را بر ملت افغان مستولی سازند که جهان را تکان داده و ذهنیت جهان را برای اشغال افغانستان آماده سازند و ملت افغانستان را که در مقابل یک ابرقدرت سربلند برآمده بود بکلی مضمحل و شرایطی را بالای ملت افغانستان بیاورند که دست و پا بسته به پای آمریکا و بریتانیا برای نجات وطنشان بی افتند. همان بود که آمریکا و بریتانیا بعد از حادثه المناک ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ م در نیویارک که توسط تروریستان عربی الاصل تربیه شده خود آمریکا در آمریکا و طیارات آمریکائی صورت گرفت. بدون اثبات پیوند دادن آن به القاعده و طالبان، بلادرنگ افغانستان را بتاريخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ م اشغال و سپس با صحنه سازی در کانفرانس (بن) که آغاز بدبختیهای ۱۳ سال اخیر میباشد یک تعداد جنایتکاران خونخوار وحشی را به رهبری آقای حامد کرزی بقدرت رسانیدند و یک تعداد دیگری را که پشتون و افراطیتر بودند حق اشتراک در دولت آینده افغانستان ندادند و زمینه تدوام جنگ در افغانستان مخصوصاً مناطق پشتون نشین که در مجاورت تربیه گاهای شان در پاکستان میباشد مساعد ساختند که الی امروز گاهی نام از گروه ملا عمر، گاهی از گلب الدین حکمتیار و گاهی از حقانی بنام طالبانیکه جنرال اسلم بیگ در فوق نام برده از اینجا و آنجا صدا را بلند و بنامهای این کانفرانس و آن

کانفرانس، لویه جرگه عنعنوی، لویه جرگه مشورتی ولویه جرگه ملت مظلوم و ستمدیده را در فریبکاریها و خدع گنج و در حالت سراسیمگی قرار داده و افغانستان را بطرف بدبختیها و آینده نهایت تاریک در زیر سلط خود نگه میدارند. در نتیجه باید عرض کرد که دست آورد ملاقات اخیر جلالتماب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان با آقای بارک اوباما رئیس جمهور امریکا یکی دیگری از حیلها و فریبکاریهای دولت امریکا با تبنای دولت بریتانیا برای اشغال دائمی افغانستان و رسیدن به اهداف طویل المدتشان در افغانستان، منطقه و جهان چیزی دیگری نبود و ملت افغان به استثنای جنایتکاران زردار و زوردار و ظنفر و قربانی امیال شوم امریکا و بریتانیا خواهد بود. و برای دوام اقامتشان صدای طبیل مبارزه علیه تروریسم(القاعده)، مواد مخدره و فساد اداری هر روز از روز قبل بلندتر شده و گلو از آوردن آزادی، بازار آزاد و دیموکراسی برای ملت افغان و جهانیان پاره خواهند کرد تا بهر طریق دلخواه خود شان باشد بخون ملت افغان به اهدافشان در منطقه برسند، مگر اینکه حادثه مهم و حیاتی دیگری برای امریکا و بریتانیا در کشورهای خود شان و یا منطقه و جهان اتفاق افتد که مجبور به ترک افغانستان شده و افغانستان عزیز ما به یک آینده نامعلوم سوق داده شود.

خداوند مددگار ملت افغان و افغانستان عزیز باشد، دشمنان افغان و مادروطن عزیز ما روی سیاه باشند. با عرض حرمت.

پایان